

---

# غفلت

---

غلامرضا عارف

www.ketab.ir



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

عارف، غلامرضا، ۱۳۱۵ - غفلت / نویسنده غلامرضا عارف . مشهد : محقق، ۱۳۹۷ . ۴۲۴ ص . ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۶۶۰۰ - ۱۵ - ۷	سرشناسه عنوان و نام پدیدآور مشخصات ناشر مشخصات ظاهری شابک وضعیت فهرست‌نویسی
قیبا غفلت -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام Negligence (Ethics) -- Religious aspects -- Islam	موضوع موضوع موضوع
غفلت -- جنبه‌های قرآنی Negligence (Ethics) -- Qur'anic teaching	موضوع موضوع
گناه (اسلام) -- احادیث Sin -- Islam -- Hadiths BP250/55/ع2غ7 1397	موضوع رده‌بندی کنگره رده‌بندی دیویی شماره کتابشناسی ملی
۲۹۷/۶۳۹ ۵۲۴۹۹۷۷	

www.ketab.ir

تلفه

بلاغه لکهنه

www.ketab.ir

### غفلت

#### غلامرضا عارف

ویراستار: نفیسه محمدزاده  
سر ویراستار و مدیر داخلی: سید خلیل حسینی  
صفحه‌آرا: حمیده خاکسار محمدآبادی  
چاپ اول، ۱۳۹۷  
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه  
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۶۰۰-۱۵-۷  
حق هرگونه چاپ و انتشار محفوظ است.  
جلد شومیز: ۵۹۵,۰۰۰ ریال  
جلد سلفون: ۶۹۵,۰۰۰ ریال

#### نشر محقق

مشهد، گلپهار، بلوار عدالت، عدالت ۳۸  
سرور ۷، پلاک ۲، تلفن: ۰۹۱۵۱۱۶۳۱۰۰  
hoseini.seyedxhalil@gmail.com

#### انتشارات



# فهرست مطالب

## پیش‌گفتار

۲۲	عمر تو.....
۲۶	نکته.....
۲۸	توبه‌ی سلیمان نبی، علیه السلام.....
۴۰	حجت الاسلام عباس تهرانی.....
۴۴	بلبل غافل و مور عاقل!.....
۴۵	حدیث قدسی.....

## فصل اول | غفلت از یاد خداوند و ادای حق پروردگار

۵۶	ضرورت اتصال و پیوند با خدا در زندگی انسان.....
۶۲	عقبات در زندان ماندن حضرت یوسف، علیه السلام.....
۶۲	آمدن جبرئیل به زندان نزد یوسف.....
۶۳	دین یوسف کرم گور را.....
۶۴	غفلت حضرت نوح، علیه السلام.....
۶۶	فرار حضرت نوح، علیه السلام، از مردم.....
۶۸	توفیق صبر و استقامت.....
۷۰	غفلت حضرت یعقوب، علیه السلام.....
۷۳	بیدار شدن جادوگرا، فرار از خواب غفلت.....
۷۶	غفلت حتی در مسجد و نماز.....
۷۶	جنگ فرشتگان با شیاطین.....
۷۷	فرار شیطان.....
۷۷	همواره مشغول ذکر باشید.....
۷۸	حکایت غفلت حسن ثوری.....
۷۹	حضرت عیسی، علیه السلام.....
۷۹	بیداری از خواب غفلت در کوران شهوت!.....
۸۰	دیگران پیام‌زنند.....
۸۱	خداوند از حلال به او رسانید.....
۸۲	غفلت از خدا بد بختی می‌آورد.....
۸۴	علت نامه ندادن یوسف.....
۸۶	نتیجه‌ی اعتراف به گناه.....
۸۶	غفلت حضرت یعقوب، علیه السلام.....
۸۸	غفلت صیاد.....
۸۹	اصمعی و تأثبات بیابان.....
۹۲	شرم از نظارت.....
۹۳	با دیدن امر عجیب ترک دنیا کرد.....

۹۶.....	پند و تبلیغ، نشان بنده
۹۷.....	فضیل ابن عیاض

### فصل دوم | غفلت و فراموشی از یاد مرگ

۱۱۵.....	داستانی جالب از کتاب مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه
۱۲۲.....	غفلت از صاحب خانه
۱۲۳.....	شکرگزاران و کفرپیشگان
۱۲۳.....	وزیر عاقبت به خیر
۱۲۴.....	غفلت فراگیر
۱۲۵.....	قدردان لحظات عمر
۱۲۸.....	بیدار تو شدن حکیم سبزواری
۱۳۰.....	آمادگی
۱۳۳.....	توبه‌ی مالک دینار
۱۳۳.....	نام دوست طلب گرنجات خود خواهی
۱۳۴.....	توبه به عنوانه
۱۳۵.....	راه توبه موعظه کرد
۱۳۶.....	جرم بهمان باشد
۱۴۱.....	گناه کار را به توبه
۱۴۲.....	واقعه‌ی بزرگ رنجناشور
۱۴۴.....	میرداماد چگونه ناس را داشت؟

### فصل سوم | غفلت و فراموشی از دشمنان

۱۵۵.....	دو آیه‌ی سخت و خیر
۱۵۶.....	اثر توبه
۱۶۰.....	غفلت پادشاه
۱۶۴.....	جوان پرهیزکار و بیدار
۱۶۵.....	شهادت این بانوی نمونه‌ی عفت و بیداری چشم چرن
۱۷۲.....	داستانی جالب و عبرت انگیز
۱۷۳.....	پند پدران

### فصل چهارم | غفلت از کسب علوم مختلف دینی و دنیایی

۱۹۱.....	درخت عجیب
----------	-----------

### فصل پنجم | غفلت از ولایت اولیاء الله - علیم السلام

۲۰۱.....	اصل چهارم دین امامت
۲۰۱.....	دلایل عقلی بر اثبات امامت
۲۰۲.....	جریان هشام با عمرو بن عبید بصری شاهد است
۲۰۳.....	هشام نیکو استدلال می‌کند
۲۰۴.....	اهمیت ولایت

۲۰۶	توبه‌ی دو برادر در آخرین ساعات عاشورا
۲۰۷	بیداری عمرو بن عبدالعزیز
۲۰۸	نام نیکی باقی‌گذار
۲۱۰	احتجاج مرد عقلی با بنی امیه درباره‌ی سب علی
۲۱۱	استدلال مرد عقلی در سب علی
۲۱۳	بیداری پادشاه جوانمرد حبشه
۲۱۸	از خاطرات استاد انصاریان
۲۱۸	بیداری جیب بر ماهراز برکت حضرت رضا علیه السلام
۲۲۱	بیداری با تازیانه‌ی وجدان و نجات زهری
۲۲۲	آسیه‌ی قهرمان و الگویی برای همه ملکه‌های تاریخ
۲۲۵	خاک پا
۲۲۵	مردم‌آزاری
۲۲۶	لحظه‌ی آخر
۲۲۷	بیداری دختر نمرود
۲۲۹	لطف امام رؤف نسبت به همسایگان
۲۳۰	آتش شهوت
۲۳۱	باری و تحمل
۲۳۲	توبه‌ی شرفایی
۲۳۳	حساس طبرستان
۲۳۳	نورپردی کارگزاران ستمکاران
۲۳۵	جریان عیسی مسیح
۲۳۶	عنایت امیرالمؤمنین علیه السلام به خلیعی
۲۳۶	مکاشفه‌ی عجیب
۲۳۸	بنده‌ی حق
۲۳۹	السلام علی‌المعذب فی آثر سجود
۲۳۹	اثر مجالست موسی بن جعفر علی‌السلام در کنیز
۲۴۰	بیداری در آخرین لحظه‌ی عمر
۲۴۲	راهب با توفیق مسلمان شد
۲۴۲	مرحوم دکتر امینی می‌نویسد

### فصل ششم | غفلت از حوادث

۲۴۹	وسایل کار ساز نیست، خدا کار ساز است
۲۵۰	حادثه چیست و با انسان چه می‌کند؟
۲۵۲	فاعتبروا یا اولی‌الابصار

### فصل هفتم | غفلت از ادای حقوق دیگران (حق الناس)

۲۶۱	غفلت حضرت یوسف علیه السلام و مجازات بسیار سنگین
-----	---

### فصل هشتم | غفلت از لقمه‌ی حلال خود، خانواده و دیگران

۲۸۲	نجیب زاده‌ای که بعد از بیداری از خواب غفلت به مقام والایی رسید
-----	--

۲۸۴	قیام به حق شجاعت لازم دارد
۲۸۶	یک لحظه غفلت و فوراً بیدار شدن
۲۸۸	ندای الرّحیل

### فصل نهم | خیرخواهی و احساس مسئولیت در برابر انحرافات جامعه

۲۹۹	احسان شیخ و بیداری دزد
۳۰۰	توبه‌ی قوم یونس
۳۰۲	توفیق توبه
۳۰۲	مشو غافل
۳۰۵	به واسطه‌ی رحم به سلطنت رسید
۳۰۶	صدق و راستی موجب توبه می‌شود
۳۰۷	خواب غفلت
۳۰۸	پوریای ولی و مبارزه با نفس
۳۰۹	خداداده و دانش فراوان
۳۱۰	توبه‌ی سران یوسف
۳۱۲	سرمه ننگ
۳۱۳	پیش از دیر زش
۳۱۴	طریق عشق را پیش گیر و به نیکویی امر کن!
۳۱۵	راستگو و تائب
۳۱۵	کوشش کنید از این سبب ننگ نبرد
۳۱۵	معمار زندگی
۳۱۷	مشروب خوار و توبه
۳۱۸	توبه‌ی شقیق بلخی
۳۱۸	خواب الهام بخش
۳۲۱	استخدام
۳۲۱	پاداش عمل

### فصل دهم | غفلت از درک ماهیت دنیا و پرهیز از اسارت آن

۳۲۶	غفلت زده‌ای که دیر بیدار شد
۳۲۶	آزاد مرد بیداردلی در بین طاغوت‌ها
۳۳۵	سپهر عالم جانم، طراز نقش امکاتم
۳۳۶	بیداری سلطان
۳۳۷	ترک فانی عطار را ترقی داد
۳۳۸	خلیفه‌ی جوانی که از شنیدن گفتار حق از خواب غفلت بیدار شد
۳۳۹	این جور گفتار حق اثر دارد
۳۴۱	کیفر خیانت
۳۴۲	حساب سخت یک روز
۳۴۳	ای بسا رهنما که راهزن است
۳۴۴	ضمانت بهشت

## فصل یازدهم | زهد و قناعت و عدم غفلت از این‌ها

۳۵۰.....	فضیلت زهد.....
۳۵۱.....	راه ثواب.....
۳۵۳.....	اقسام زهد.....
۳۵۷.....	عیسی و اهل قریه.....
۳۵۸.....	سبب هلاکتشان چه بود.....
۳۵۸.....	جای دنیاپرستان اینجا است.....
۳۵۹.....	دل بسته‌ی دنیا.....
۳۶۰.....	بهار زندگانی.....
۳۶۳.....	غفلت عابد.....
۳۶۳.....	حکایت العابد الذی قل الصبر لیه فتفوق الکلب علیه.....

## فصل دوازدهم | غفلت از عواقب

۳۷۵.....	داستان صالح و طالح.....
۳۷۶.....	دلاور بت شکنی که اسیر دنیا شد.....
۳۸۰.....	توبه آشتی با حق.....
۳۸۰.....	صاخره‌ای از استاد بزرگوار حاج شیخ حسین انصاریان.....
۳۸۱.....	مزر خوبتر.....
۳۸۲.....	برانجی قلد او به سبب عجیبی که از خود داشت جانش را گرفت.....
۳۸۳.....	بد عاقبت.....
۳۸۴.....	خوف خدا و با بودن راه توبه.....
۳۸۶.....	سرگذشت حیرت‌انگیز برده‌ی عابد.....
۳۸۷.....	عقابی که غفلتش باعث توبه و نابودی او شد.....
۳۸۸.....	عاقبت بخل و دنیاپرستی با خدا.....
۳۹۰.....	یاد خدا.....
۳۹۱.....	دستور به ناکتیک برای حفظ جان.....
۳۹۲.....	توبه‌ی مردی بادیه‌نشین از کفر و بت پرستی.....
۳۹۵.....	اخلاقی شگفت‌انگیز و عاقبت عجیب.....
۳۹۷.....	کشتن نفس زیبگانه.....
۳۹۷.....	حکایت بسیار آموزنده‌ای از کتاب جوامع الحکایات.....
۳۹۸.....	شجاع‌ترین فرمانده.....
۳۹۹.....	گنهکار توبه‌کننده.....
۳۹۹.....	غفلت حضرت داوود پیامبر.....
۴۰۰.....	هفتاد سال عبادت بی‌مغز.....
۴۰۲.....	توبه‌ی ابولبابه.....
۴۰۳.....	بلغم باعورا و سقوط و حشتناک از اعلا درجه‌ی تقرب معنوی.....
۴۰۶.....	ستاره‌ای بدرخشید و ماه مجلس شد.....
۴۰۷.....	توبه‌ی نضوح.....
۴۰۹.....	چاره چیست؟.....
۴۰۹.....	اینک در پایان بعضی از راهکارهای رهایی از غفلت.....



## پیش‌گفتار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
يا حافظاً لا يَغْفُلُ<sup>۱</sup>  
إِذْ رَبَّ يَأْتِسُ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُعْرِضُونَ<sup>۲</sup>

مگرز مهلت عمر آنچه مانده دریایی  
که آنچه رفت، به غفلت دگر نیاید باز  
چنان مکن که به بیچارگی فروماند  
کنون که چاره بد دست اندر است چاره بساز

حمد و سپاس نامحدود رب الارباب را سزد که به قدرت نامتناهی خداوندیش مخلوقات گوناگون و حیرت‌انگیز ایجاد و جهت‌افاضی الطاف‌بی‌کرانش همه‌ی موجودات را کنار خوان انعامش متنعم فرموده و بشر را به عنوان عالی‌ترین و شریف‌ترین آفریدگان برای تقرب به خود انتخاب و تاج درخشان<sup>۳</sup> را به انسان مرحمت و از روح مقدس خود به این کال خاکی دمیده و تنها به سبب خلقت چونین گوهر بسیار با عظمت و بی‌مانند خود را ستایش کرده و این بشر ناسپاس را اشرف مخلوقات قرار داده است. پس بزرگ و با برکت است، خدایی که بهترین آفریننده است.<sup>۴</sup>

۱. هزارمین نام خداوند یا آخرین فراز دعاء جوشن کبیر

۲. مردم را رسیدگی به حسابشان نزدیک شد در حالیکه آنها در غفلت بسر می‌برند و روی گردانند. (سوره مبارکه انبیاء، آیه اول)

۳. وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَخَلَقْنَاهُمْ فِي الْبَيْتِ وَالْبَخْرَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنْ الظُّبْيَاتِ وَقَضَلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّا نَحْنُ خَلْقُنَا تَفْضِيلاً (سوره اسراء آیه ۷۰)

۴. كَمْ خَلَقْنَا النُّفُوسَ عَلَفَةً فَخَلَقْنَا الْمَلَقَةَ مُضْمَةً فَخَلَقْنَا النُّطْفَةَ عِظَاماً فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْماً ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقاً آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ

الْخَالِقِينَ (سوره مومنون آیه ۱۴)

دلا غافل ز سبحانی چه حاصل  
 اسیر نفس و شیطانی چه حاصل  
 بود قدر تو افزون از ملائک  
 تو قدر خود نمی دانی چه حاصل

(بابا طاهر)

مرحوم آیت الله بهجت می فرماید: «اگر نصف عمر هر شخص، در یاد منعم حقیقی و نصف دیگرش در غفلت باشد، همان مقدار که به یاد خداوند بوده، عمر او و بقیه ممات او محسوب می شود.»<sup>۱</sup>

صلوات و سلام بر منبع کمالات ازلی و منشأ پیدایش و ظهور نور وجود احدی و واسطه‌ی فیوضات غیره ناطقی، حضرت محمد مصطفی - صلی الله علیه و آله - که به نفوذ کمالات خداوندی نفس پر برده‌ی بشر را حیات همیشگی بخشیده و با فروغ جاودانه اش انسانیت را از ضلالت جهل و تاریکی سعادت رهنمون فرمود و درود بر آل و اولاد طاهری آن سرور، خصوصاً این عم و دود و سی و سی و حق او، حضرت علی ابن ابوطالب - علیه السلام - و کلیه‌ی الهیه از ذریه‌ی مطهر آن برگزیده - صلوات الله علیهم اجمعین - که به نور ولایت و امامت، خلق را از خاک به افلاک هدایت فر بردند.

آدمی آمد تا پای بر زمین و دست بر آسمان به وسیله‌ی استعداد های فوق تصور در اعماق وجودش از موانع مختلف پیروزمندانه عبور کرد، بار، مایع هولناک حوادث، به جای سکوی پرش بهره برده تا به بلندی جایگاه حقیقی خود برسد. آمد تا در کشاکش جذب‌های درونی حیوانیت و بیرونی مادیت، بندهای اسارت را گشوده و رها کرد و از جاذبه‌ی ماده به افق لاهوتی بال گشاید. آمد تا بی انتها شود. آمد تا در کمند جهاد اکبری تمسکیت انسان را در آینه‌ی روشن وجود خویش به تماشا نشیند. آمد تا شجاعت و شهامت را معنا بخشد؛ زیرا شجاع کسی است که از گرداب‌های زندگی فائق و سربلند به ساحل وارستگی، بار قرار افکند. دنیا شاهره کمال آدمی و صحنه‌ی مبارزه‌ای مقدس است با هر چه غیر خدایم باشد و زندگی محراب است و عرصه‌ی جهاد و مطابق سرشت آدمی، ناگزیر از چنین جدال دایمی در درون خویش هستیم. هدف اصلی ادیان آسمانی تعلیم انسان و تجهیز او به همه‌ی وسایل لازم جهت پیروزی در

این نبرد بی‌آمان است، هم چنانکه در طول تاریخ شاهد شکست پهلوانان نام‌آور بر اثر یک غفلت آنی بوده‌ایم، در این پیکار همیشگی نیز غفلت موجب غلبه‌ی دشمن بر انسان است.

ابرو باد و مه و خورشید و فلک در کارند

تا توانایی به کف آری و به غفلت نخوری

همگی بهر تو اند چاکرو فرمان‌بردار

شرط انصاف نباشد که تو فرمان‌نبری

اصل غفلت زدانی است که انسان موانع خطر را شناخته ولی در حین حرکت به دلیل نبود راهنمایی کافی دچار لغزش می‌گردد، هم چنانکه نخستین لغزش نسل انسان به وسیله‌ی جد اعلای ما، حضرت آدم، به وقوع پیوست و این بلای خانمان سوز، چون میراثی نامبارک کم و بیش گریبان‌گیر تمام اولاد حضرت آدم شده و جمع کثیری را به خسران مبین مبتلا نموده است. متأسفانه تداوم لغزش و تکرار آن، گاهی به چند مرتبه در هر روز می‌رسد و آثار زیان‌بارش نیز قادر به بیداری غافل نمی‌شود.

هفته‌ها کردیم ماه و ساله‌ها کردیم پاره

نور بودیم و شب به کار کار تا هنجار نار

یافتیم از یک گهر هم سنگ شد تا صد خَرک

داشتیم از یک هنر بودیم درین هفتاد عار

شمع جان پاک را اندر مگاک آفروختیم

خانه روشن گشت اما خانه‌ی دل و بند تر

صد حقیقت را بکشتیم از برای یک هوس

از پی یک سیب بشکستیم صدها شاخسار

ره نمودند و نرفتند هیچ‌گه جز راه کج

بند گفتند و نپذیرفتی یکی را از هزار

(پروین اعتصامی)

شاید از خطرناک‌ترین عارضه‌هایی که بر سر راه بشر قرار دارد و خیلی سریع می‌تواند تمام سرمایه‌های مادی و معنوی انسان را به آنی از او بگیرد و شخص را دچار خسارت‌های وحشتناک و جبران‌ناپذیری کند، غفلت است. هر چند بیشتر ما انسان‌ها در حالی در غفلت

به سرمی بریم که از آثار زیان بار و مرگ آفرین آن نیز بی خبر هستیم.  
 به غفلت عمر را طی می‌کنم من  
 بهار عمر را دی می‌کنم من  
 اگر یک جلوه بر قلم نمایی  
 خیال معصیت کی می‌کنم من

به فرمایش مولای متقیان حضرت علی علیه السلام: «زمانی بیدار می‌شویم که کار از کار

گذشته است.»<sup>۱</sup>

آفرینش همه تنبیه خداوند دلست  
 دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار  
 ایر ۵ . نقش عجب بر در و دیوار وجود  
 هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار  
 کور و دیا و رختان همه در تسبیح‌اند  
 نه همه مستمعی فهم کند این اسرار  
 خبرت هست که مرغ را سحر می‌گویند  
 ا- رای خفته سر از خواب جهالت بردار  
 هر که امروز نبیند ا- رق دردت او  
 غالب اندست که فرداش نبیند دیدار  
 تا کی آخر چو بنفشه سر غفلت در پیش  
 حیف باشد که تو را حوا و نرگس بیدار  
 که تواند که دهد میوه‌ی الوان از چوب  
 یا که داند که برآرد گل صد برگ از خار  
 عقل حیران شود از خوشه‌ی زرین عنب  
 فهم عاجز شود از حقه‌ی یاقوت انار

(بوستان سعدی)

محبت پروردگار مهربان هزاران مرتبه از پدر و مادر، حتی از خود ما به ما بیشتر است و

مبنای آفرینش عالم را افاضه‌ی فیض و احسان به ما قرار داده است. در قرآن مجید ۳۵ مرتبه درباره‌ی غفلت آیه نازل فرموده، نکته‌ی جالب اینکه در کتب آسمانی و احادیث قدسی نیز بارها خطاب به ما خطرات غفلت را گوشزد کرده و ما را از این دشمن بزرگ پنهان، بر حذر داشته است. یک ششم قرآن کریم شامل داستان‌های پیشینیان جهت عبرت گرفتن ما انسان‌هاست (تقریباً هزار آیه).

بعد از بیان نکات اصلی داستان می‌فرماید:

«پس عبرت بگیرید ای صاحبان خرد». <sup>۱</sup> نیز در جای دیگر می‌فرماید: «ما آن‌ها را راهنمایی نمودیم، خواه سگ‌زرباشند؛ خواه کفر بورزند<sup>۲</sup>». ما باید سرنوشت خود را تعیین کنیم، خداوند ارحم الراحمین می‌فرماید:

من نکر مردم خاسق تا سودی کنم

با که تا بریندگان جوودی کنم

لذا خواسته‌ی خدای متعال و هم‌دلی، با اولیا، سعادت بشر در دنیا و آخرت، پرهیز از عوامل سقوط و هوشیاری و آمادگی در مقابل دشمنان، ترسخت و قسم خورده یعنی شیطان و نفس اماره است که با قدرت فوق العاده شخص را جذب می‌کند. فقط با استعانت از خداوند و اتمه‌ی اطهار - علیه السلام - می‌توان از این دشمنان دور ماند. این جمله که «هر کس در هر امری بر خدا توکل کند، خدا او را کفایت می‌کند و آهسته‌پسین بر کس خدا ترس شود، خدا راه نجاتی برای او فراهم می‌کند»، شاهد این مدعا است.

پیامبر اکرم - صلی الله علیه وآله - نیز ضمن بیان مطالب تکان دهند، به هشدار می‌دهند و در دعاهای مختلف از خداوند درخواست توجه می‌کنند: «خدا یا! هرگز سدریک چشم برهم زدن، مرا به خودم وامگذار<sup>۳</sup>».

امیر المؤمنین - علیه السلام - در مناجات سرشار از معرفت شعبانیه می‌فرمایند: «بار

۱. فَاغْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ (سوره حشر آیه ۲)

۲. اِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ اِنَّمَا شَاكَرْنَا وَاِنَّمَا كَفَرُوا

۳. وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ اِنَّ اللَّهَ بِالْمُنْعِمِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ

شَيْءٍ قَدْرًا (سوره طلاق آیه ۳)

۴. الهی لا تکلنی الی انفسی طرفه عین ابد (مناجات شعبانیه)

خدایا! اگر غفلت و بی خبری مرا از آمادگی برای دیدارت به خواب فرو برده، پس حقیقتاً شناخت لطف و مهربانیت آگاهم کرده است.»

با اینکه این بزرگواران در تمام عمر حتی لحظه‌ای غفلت نداشته و در خواب و بیداری، خود را در محضر حضرت حق می‌دیدند، با این حال از اعماق وجود درخواست آگاهی می‌کردند. امام سجاد - علیه السلام - می‌فرمایند:

«انی بلیت باربع ما سلطوا

الابـعظم بلیتی و شقیایی

ابلیس والدنیا و نفس الهوی

والله ینصرنی علی الاعداء

ابلیس یسعی فی سبیل مهالکی

والنفس تأمرنی بکل بلائی

و جنتهم ساطوا بحول مدینتی

یا عدتی فی شدتی و رجائی»

معنی: «من گرفتار چهار دشمن شدم که هر جا تسلط یابند، با بلایی بزرگ و شقاوت روبه‌رو می‌شوم: یکی شیطان است، دوم دنیا، سوم نفس و چهارم هوا و هوس. خداوند در برابر این دشمنان مرا یاری می‌فرماید. شیطان می‌کوشد مرا به نابودی سوق دهد و نفس، مرا به بلاهایی امر می‌کند و لشکریانشان مرا در رفته‌اند. ای خدایی که تنها یاور و امید من هستی!»

در دعای روز اول ماه مبارک رمضان می‌خوانیم: «و مرا از خواب غافلان بیدار فرما».<sup>۲</sup> خداوند سبحان در حدیث قدسی خطاب به انسان‌ها می‌فرماید:

«یا بَنِ آدَمَ!

۱. اُدْکُرُونِی اَسْتَجِبْ لَکُمْ.

۲. اَدْعُونِی بِلَا غَفْلَةٍ اَسْتَجِبْ لَکُمْ بِلَا مَهْلَةٍ.

۳. اُدْعُونِی بِالْقُلُوبِ الْخَالِیَةِ، اَسْتَجِبْ لَکُمْ بِالذَّرَجَاتِ الْعَالِیَةِ.

۱. اَلْهُی اِن اَنَا مَتْنِ الْغَفْلَةِ عَنِ الْاِسْتِعْدَادِ لِلْفَائِکِ فَقَدْ نَهَيْتَنِ الْمَرْفَعَةَ بِکُمْ الْاِنَاکِ (مناجات شعبانیه)

۲. وَ نَهَيْتَنِ فِیْهِ عَنِ نَوْمِ الْعَافِلِیْنَ.

۴. اُدْعُونِي بِالْإِخْلَاصِ وَ التَّقْوَى ، اَسْتَجِبْ لَكُمْ بِالْجَنَّةِ الْمَأْوَى .
  ۵. اُدْعُونِي بِالْخَوْفِ وَ الرَّجَا ، اَجْعَلْ لَكُمْ مِنْ كُلِّ اَمْرٍ فَرْجًا وَ مَخْرَجًا .
  ۶. اُدْعُونِي بِالْاَسْمَاءِ الْعُلْيَا ، اَسْتَجِبْ لَكُمْ بِطُلُوعِ الْمَطَالِبِ الْاَسْنَاءِ .
  ۷. اُدْعُونِي فِي دَارِ الْخَرَابِ وَ الْفَنَاءِ ، اَسْتَجِبْ لَكُمْ فِي دَارِ الثَّوَابِ وَ الْبَقَاءِ .»<sup>۱</sup>
- ای فرزند آدم!

۱. مرا یاد کنید، تا پاسختان گویم.
۲. مرا بدون غفلت بخوانید تا دعایتان را بدون تأخیر و مهلت اجابت کنم.
۳. مرا با قلب خالی (از شرک و آلودگی) بخوانید، تا شما را با درجات و مقامات عالی اجابت کنم.
۴. مرا از سراخلاص (تقوا) بخوانید تا با بهشت جاویدان پاسختان گویم.
۵. مرا با بیم و امید بخوانید تا همه امور برایتان توفیق و گشایش قرار دهم.
۶. مرا با نام‌های بلند مرتبه بخوانید تا شما را با وصول به خواسته‌های ارجمند پاسخ گویم.
۷. مرا در این وادی خراب و فناپذیر بخوانید تا شما را در سرای پاداش و جاوید آخرت پذیرا باشم.

غفلت در لغت به معنی وا گذاشتن امری و فراموش کردن و بی‌خبر شدن از آن است و نیز توجه قلب به ضد امری، پس از علم به آن گفته می‌شود. همچنین به بی‌توجهی، اشتباه، سهو و ندانم کاری اطلاق می‌شود. حکما فرمودند: «غفلت بمنزله‌ی خاموشی چراغ هدایت بشر در ظلمت‌های مخوف است؛ به بیان دیگر غفلت حسابات است از اینکه پرده بر فکر و قلب انسان بیفتد، طوری که متوجه واقعیت نشود».

گاهی هم به بیهوده سپری کردن عمر و متابعت هوا و هوس اطلاق می‌شود. غفلت دیگری می‌توان گفت کمی مراقبه، چرت زدن، قصور، کم توجهی، بی‌احتیاطی و یا بهتر بگوییم سرگرم شدن به لهویات دنیا و فراموش کردن ارزش‌ها را غفلت می‌گویند.

چگونه غافل باشیم در حالی که تمام لحظات عمر در منظر ذات مقدس حی قیوم (زنده پابنده) و انبوه کارگزاران بسیار دقیق او هستیم! در آیه‌ی ۱۷ سوره‌ی مبارکه‌ی مؤمنون می‌فرماید: «وَمَا كُنَّا مِنَ الْخَلْقِ غَافِلِينَ؛ ما از خلق غافل نیستیم». جمله‌ی «وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ؛

خدا از آنچه انجام می‌دهید، غافل نیست»، نه مرتبه در قرآن تکرار شده که نشان از اهمیت موضوع دارد و گروه‌های مختلف را خطاب قرار داده است.

اول، مسلمانان و موحدین صالح که مشوق آنان به تداوم هشیاری و مراقبت از کمرنگ شدن آن و مبارزه‌ی بی‌امان با عوامل غفلت آوراست. دومین دسته، عامه‌ی مردم (ناس) شامل نوع انسان می‌شود که لزوم توجه به مبدا و معاد و درک موقعیت حساس و شناخت حقایق عالم و شناخت مسئولیت بسیار خطیر اولاد آدم را یادآوری می‌کند اما شدیدترین خطاب‌ها به یاغیان، ستمگران و سردمداران کفر و الحاد است که دانسته حق را انکار و با سرسختی و لجاجت در راه دسترسی بیشتر به لذایذ دنیوی و استثمار دیگران و جب انحطاط جوامع می‌شوند.

در این خطاب‌ها، با توصیف عذاب‌های بسیار سخت و غیر قابل تصور، آن‌ها را دعوت به پذیرش عقوبت الهی، ندای فطرت و وجدان و بیداری از این غفلت خانمان سوز می‌فرماید. با توجه به اینکه عامل سعادت در وجود هر انسانی بالقوه موجود است، به فعلیت رساندن آن در گرو اتصال سار به حبل الله از طریق انبیا و ائمه‌ی معصومین علیه السلام است. کسانی که به این ائمه‌ی مقدس متصل شده، خود را به کشتی نجات رساندند و مصون از طوفان غفلت‌ها به ساحل نجات رسیدند.

در صلوات شعبانیه آمده: «يَأْمَنُ مَنْ رَأَىٰ بَهَاءَ عَرَقٍ مِّنْ تَرَكَهَا»، محمد و آل محمد کشتی معرفتند که هر کس به آن‌ها پیوست، از عرق نجات پیدا کرده و هر کس آن‌ها را ترک کند، در دریای گمراهی غرق می‌شود.

افرادی نظیر سلمان، ابوذر، مقداد و مالک اشتر ع.وه برای آنکه در زمره‌ی نجات یافتگان بودند، حتی به مقام اعلای (تالی تلو) معصومین نائل آمدند اما عیبی فراوانی هم دچار غفلت شده، از ولایت ائمه علیهم السلام خارج و تحت ولایت شیطان قرار گرفتند و دیدگان حق بین خود را بر روی تمام حقایق عالم بستند.

حضرت موسی ابن جعفر علیه السلام در جواب هارون که درخواست موعظه کرده بود، نوشتند: «هر چیزی که چشمت می‌بیند، در آن موعظه‌ای است».<sup>۱</sup>  
به قول سعدی:

۱. کل شیء تراه عنینک و فیه موعظتک. (امالی شیخ صدوق، ص ۵۰۹)



این همه نقش عجب بردر و دیوار وجود

هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار

نتیجه‌ی چشم‌پوشی از واقعیت‌ها، هدر رفتن عمر گران‌بها و سقوط به دره‌ی فلاکت و بدبختی است و حاصل آن غیر از حسرت، ندامت، شرمساری ابدی و بار سنگین گناه نخواهد بود. قرآن مجید می‌فرماید: «ما از ایشان انتقام می‌گیریم، در حالی که غافلند»<sup>۱</sup>.

با این اوصاف عذاب‌های دنیوی و اخروی معلول غفلت است، چنانکه می‌دانیم خلاف‌کاران به طور کلی به در بسته تقسیم می‌شوند: غافل معذور و غافل مذموم. آنکه از روی جهل و نادانی مرتکب گناه می‌شود و به خود و دیگران ستم روا می‌دارد و ممکن است روزی با درک حقیقت تغییر مسیر داده و هدایت شود و حتی کفهِ گناهانش سنگین هم نباشد، غافل معذور است.

اما دسته‌ی دومی که مخالف آیار و روایا و مستحق سخت‌ترین عذاب‌ها می‌باشند، اعراض‌کنندگان از حقند و اینان عسّ مذموم هستند.

مرحوم طبرسی - رحمه الله علیه - در تفسیر آی (۱۳۱) سوره‌ی انعام می‌نویسد: «مقصود بیان علت است»،<sup>۲</sup> یعنی خداوند مردم سرزمین کافر را گمراه و منحرف هستند، هلاک نمی‌کند مگر اینکه پیامبرانی به سوی آن‌ها بفرستد و آن‌ها مردم را به دلایل و حجت‌های خداوندی آگاه کنند و آن‌ها را از کیفر خدا ترسانده و حقایق الهی را برسانند، سپس اگر از اطاعت پیامبران سر باز زدند، آن‌ها را هلاک خواهد کرد آن‌ها هرگز، طمعه ناگهانی مردم را غافل‌گیر نمی‌کند. البته برخداوند لازم نیست که اتمام حجت کند. زیرا علم که مردمی دست به ستم و تجاوز زنند، سزاوار کیفر می‌شوند، جز اینکه خداوند می‌خواهد حجت خود را ظاهر گرداند.

بنابراین زدودن پرده‌ی غفلت و بی‌خبری و رساندن آدمیان به نور معرفت و هوشیاری، مهم‌ترین آرمان در تعالیم پیامبران است. مردم در مواجهه با چنین هشدار هدایتی به قول قرآن دو گروهند: اما شاکر و اما کفور! شاکرین و کفریبیشگان. شاکرین با پذیرش تعالیم آسمانی بصیرت یافته و با ورود به مرحله‌ی ایمان قلبی، دامن همت به کم‌زده و با مجاهدت مستمر

۱. فَانظُرْنَا مِنْهُمْ فَأَعْرَفْنَاهُمْ فِي الْيَوْمِ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ (سوره اعراف آیه ۱۲۶)

۲. ذَلِكَ أَنْ لَمْ يَكُنْ رَبِّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَ أَهْلَهَا غَافِلُونَ (آیه ۱۳۱ سوره انعام)

در راه خشنودی خداوند، مستحق پاداش های بی کران الهی می شوند اما کفار با اعراض از بینش و آگاهی دچار غفلت شده و مستوجب عذاب می شوند.

حیف و افسوس که این عمرگران می گذرد  
دل بر این کاخ منه زانکه جهان می گذرد

لذت عیش و غم و شادی و درد و محنت  
نوبهار و چمن و فصل خزان می گذرد

ای که در نعمت حق غوطه وری غره مشو  
شب عیش تو و دل سوختگان می گذرد

به حقیقت نبود سال و فصول و شب و روز  
غافلای عمر من و توسست نهان می گذرد

گل به تان به لب چشمه نوای بلبل  
شب وصل و سحر لاله رخان می گذرد

ذلت نیستی و سختی و کنج زندان  
طرب و سبزه لب آب روان می گذرد

شایان توجه است که بیش از شش هزار حدیث از پیامبر اکرم - ص - و ائمه ای طاهرین - علیه السلام - در منابع معتبر اسلامی در باب غفلت نقل شده است.

بعضی از مفسرین در تفسیر آیه ی ۱۷۹ سوره اعراف نقل کرده اند: «سبب آفرینش دوزخ، غافلین مقصر هستند؛ زیرا غفلت، والاترین هدیه ی خداوندی یعنی گوهر انسانیت انسان را از او گرفته و باعث سقوط شخص به دره ی هولناک رذائل و پستی است. تراز حیوان شدن او، گشته است. غفلت، موجود باشرافتی که اشرف همه ی مخلوقات است، مظهر صفات عالی الهی و صاحب استعداد جهش به سوی قاب قوسین و سبقت از ملانکه ی مقرب است را، سرنگون در اسفل الساقین و درگیر سخت ترین عذاب های دنیوی نظیر: اضطراب، دلهره، کشمکش، ناکامی و طرد شدن کرده و مرتکب جنایات و دردناک ترین عقوبات همچون سختی جان کندن، قیر، برزخ پرهول، قیامت و سرانجام عذاب ابدی نموده است». (نعوذ بالله العلی العظیم)

۱. وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنِّ وَالإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا تَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ (آیه ۱۷۹ سوره اعراف)

غفلت زندگان در برابر آیات شداد و غلاظ و هشدارهای خداوند، بی تفاوت بوده و گاهی نیز آن آیات را به سخره می‌گیرند و حال آنکه اگر یک درصد احتمال وقوع چنین شکنجه‌هایی را بدهند، باید اهل تقوا باشند.

قرآن مجید در توصیف قیامت می‌فرماید: «بپرهیز از روزی که کودکان پیر می‌شوند... زنان حامله بار بگذارند... ظالمین دست‌های خود را از شدت پشیمانی می‌چوند... قلب‌ها از شدت ترس به گلوگاه آید... لباس‌های آتشین... خوراکی‌هایی همچون فلز مذاب و گرزهای آهنینی که بر سراها<sup>۱</sup> جهنم می‌کوبانند!»  
 امام سجاده ع... می‌فرماید: «چگونه بر آتش صبر توان کرد، در حالی که گرمی آفتاب دنیا را طاقت نداریم!»

### چگونه صب کئی در جزا به آتش دوزخ

در اب جهان که دمی تاب آفتاب نداری

«و وعده‌ی حق (و رستاخیز) نزدیک است، در آن هنگام چشم‌های کافران (از وحشت) از حرکت باز می‌مانند، (می‌گویند) ای وای بر ما! از این امر در غفلت بودیم، بلکه ما ستمکار بودیم». طبرسی در تفسیر آیه آورده است: «در آن روز: ماه پشیمان کافران از شدت ترس و اضطراب خیره می‌ماند و فرو بسته نمی‌شود (و گویند) وای بر ما که به امور دنیا مشغول شدیم و از این روز غافل بودیم»<sup>۱</sup>.

نیز در سوره مبارکه یق می‌فرماید: «از این روز غافل بودی، در پرده‌ی غفلت را کنار زدیم، امروز چشمانت تیز بین شده است»<sup>۲</sup>.

آری پرده‌های جهان ماده آرزوها، علاقه به مال و مقام، زن و فرزند، هوس‌های بکس، تعصبات، حسادت‌ها، جهل و لجاجت توراد رسیاه چال طبیعت اسیر و انبوه این حسادت‌ها را از درک حقایق محروم کرده بود و چون پیله‌ی ابریشم، مرتب در اطراف خود بر این حجاب افزودی و سرمایه‌های فوق العاده ارزشمند عمر را به باد فنا دادی و اینک که آن حجاب‌ها کنار رفته، با چشم تیز بین عمق فاجعه را می‌بینی و می‌گویی: «یا حسرتی علی ما فرطت فی جنب الله؛ وای بر ما که در مقابل خدا کوتاهی کردیم!»<sup>۳</sup>

۱. واقترت الوعد الحق فاذا هی شاحضة ابصار الذین كفروا یا ویلنا قد كُنَّا فی غفلةٍ من هذا بل كُنَّا ظالمین (آیه ۷۹ سوره انبیاء)

۲. لقد كُنَّا فی غفلةٍ من هذا فكشفنا عنك غطانك فبصرتك انیوم خدیة (آیه ۲۲ سوره ق)

۳. سوره زمر، آیه ۵۶